

جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی با یک انتخاب

سخنگوی دولت نوشت: انتصاب «منصور بیجار» به عنوان استاندار جدید سیستان و بلوچستان با استقبال منطقه‌ای روبرو شد و می‌تواند ضمن جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی، باعث افزایش امید در جامعه شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در یادداشتی به آثار انتصاب «منصور بیجار» به عنوان استاندار جدید سیستان و بلوچستان پرداخت. متن این یادداشت به شرح زیر است:

انتصاب جناب آقای «منصور بیجار» به عنوان استاندار جدید سیستان و بلوچستان با استقبال منطقه‌ای روبه‌رو شد و اهمیت این موضوع نه از باب تحقق وعده‌ای از وعده‌های انتخاباتی آقای رئیس‌جمهور بلکه از این بابت است که می‌تواند ضمن جلوگیری از کاهش سرمایه اجتماعی باعث افزایش امید در جامعه محلی و ملی شود.

لذا این خطای بزرگی خواهد بود اگر به مسئله انتخاب استاندار «کرد و اهل سنت» برای کردستان و انتخاب استاندار «بلوچ» برای استان سیستان و بلوچستان، از زاویه «قومی» یا تحقق یک «وعده‌ای انتخاباتی» نگاه شود. اساساً هر وعده انتخاباتی برآمده از خواست و مطالبه‌ای اجتماعی است که در میانه انتخابات اقشار مختلفی حول آن مطالبه گرد آمده و تلاش می‌کنند برای تحقق آن فردی را به درون ساختار قدرت روانه کنند. این خواسته و مطالبه سال‌هاست که در کشور وجود داشته و بسیاری از اقوام و مذاهب احساس می‌کردند مانعی بر سر راه ورود آنها به مناصب مهم کشور به صورت ساختاری وجود دارد و به‌طور طبیعی خواستار آن بودند که همه اقوام و ظرفیت‌های کشور در مدیریت سرنوشت خود مشارکت کنند.

وقتی این احساس در جامعه به وجود آمده باشد که مدیریت کلان کشور جای زنان، اهل سنت، یا اقوام مختلف نیست، به‌طور طبیعی شاهد یک گسست اجتماعی میان مجموعه دستگاه اداره کشور و اقوام مختلف خواهیم بود.

بنابراین آنچه اتفاق افتاد، عبور از مقطعی از تاریخ است که در آن اقوام و مذاهب مختلف کشور احساس نکنند مانعی بر سر راه مشارکت آنها در مدیریت کلان کشور وجود دارد. اما چرا این موضوع می‌تواند مانع از تکرار برخی وقایع تلخ در منطقه‌ای محروم مانند سیستان و بلوچستان شود؟

به نظر می‌رسد ریشه حوادث تلخ دو سال قبل در استان سیستان و بلوچستان آنجا بود که رابطه مردم و مسئولان استانی، منقطع شده بود. آنها به هر دلیل موجه یا ناموجهی احساس می‌کردند مسئولان استان صدای آنها و خواسته و مطالباتشان را نمی‌شنوند؛ بنابراین برایشان این ذهنیت ایجاد شده بود که رابطه آنها با مجموعه مدیریت کشور قطع شده است پس قابل پیش‌بینی بود که در چنین وضعیتی برای شنیده‌شدن مطالباتشان از روش‌های دیگری استفاده کنند. اما زمانی که مشاهده کنند در انتخاب مدیران ارشد کشور محدودیتی به لحاظ جنسیت، مذهب یا قومیت افراد وجود ندارد، به‌طور طبیعی فضای گفت‌وگو و مطالبات مردم و مسئولان استانی متفاوت خواهد بود.

زمانی که مردم یک منطقه مسئولان ارشد مدیریتی را از خود ببینند، طبیعتاً باور خواهند داشت که درد و مشکلات آنها درک می‌شود و در مقاطعی که مشکلی به وجود بیاید هم راه ارتباطی میان آنها بیشتر و بهتر برقرار خواهد بود؛ ضمن آنکه هر مشکلی به سرعت تبدیل به یک «بحران» منطقه‌ای یا ملی نخواهد شد. اگرچه این لزوماً به معنای آن نخواهد بود که دولت باید در هر استان از همان قوم و استان فردی را انتخاب کند بلکه باید با شناخت دقیق منطقه، بافت جمعیتی و خواست استان درباره این مسئله تصمیم گرفت و اکنون باید خوشحال بود که چنین تصمیمی بزرگان استان را تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که جناب مولوی عبدالحمید بعد از انتصاب استاندار جدید استان سیستان و بلوچستان ضمن ابراز خوشحالی آن را یک «اقدام خوب» و سبب «افزایش اتحاد و انسجام» و «تغییر شرایط» عنوان کرده و گفته‌اند: «ما از این اقدام دولت استقبال می‌کنیم. به‌کارگیری شایستگان یکی از خواسته‌های مهم است، زیرا به‌کارگیری افراد ناتوان، شیعه باشند یا اهل سنت یا وابسته به هر قوم و جناحی باشند، به ضرر مردم و حاکمیت است».

بنابراین آنچه در این انتصاب‌ها اهمیت دارد، برداشته‌شدن مانع و سدی است که منجر به افزایش شکاف مردم و دولت شده بود. امیدوارم به عنوان یک ایرانی و البته عضوی کوچک از اعضای دولت چهاردهم شاهد تکرار چندباره چنین اتفاقاتی باشیم؛ اتفاقاتی که کام ملت عزیزمان را شیرین خواهد کرد.